



## پدیده جنگجویان خارجی از منظر حقوق بین الملل

\*\*\*افشین یوسفی      \*\*\*علیرضا آرش پور      \*\*\*مسعود راعی دهقی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۲۸      تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۸/۲۹

### چکیده

موضوع جنگجویان خارجی هر چند از منظر تاریخی موضوع جدیدی محسوب نمی‌شود اما در ادبیات حقوق بین الملل موضوعی است که به تازگی و بنا به ضرورت‌ها بدان توجه نشان داده شده است. وجه ممیزه جنگجوی خارجی و مزدور براساس تعاریفی که از آن‌ها به دست آمد در تفاوت انگیزه‌ها است. مزدور با انگیزه مادی که می‌تواند پول یا بهره‌مندی از امتیازات مادی و مانند آن باشد اما انگیزه جنگجویان خارجی انگیزه ایدئولوژی، دینی و یا قومی است. این مقاله باهدف بررسی پدیده جنگجویان خارجی از منظر حقوق بین الملل نگاهشده شده و با روش توصیفی و تحلیلی و استفاده از منابع کتابخانه‌ای تدوین گردید. یافته‌ها نشان داده است در قوانین مخصصات مسلحانه غیربین‌المللی، جنگجویان خارجی ممکن است به گروه‌های مسلح شورشی یا نیروهای مسلح کشوری که در خاک آن کشور درگیری روی داده است؛ بپیوندند. مروری بر هنجارها و استانداردهای بین‌المللی نشان داده است که اصالت یا ملیت خارجی افرادی که به ناحیه مورد مخصصه برای شرکت در درگیری سفر می‌کنند، می‌تواند اثر واقعی بر جایگاه قانونی آنان قرار دهد و نباید از نظر غافل بماند. با نگاه به قوانین مخصصات مسلحانه بین‌المللی، جنگجویان خارجی می‌توانند از اعضای تمام عبار نیروهای مسلح یکی از دولت‌های متخاصم باشند یا به آن تبدیل شوند. در این حالت، ملیت آنان اهمیتی نخواهد داشت. کنوانسیون ژنو ۳ و اولین پروتکل الحاقی در خصوص این واقعیت صریح هستند که جایگاه مبارز اسیر شده بایستی توسط دادگاه صالحی که طرف به اسارت گیرنده نیز در آن حضور دارد تعیین گردد و نبایستی به تصمیم اختیاری واگذار شود. در خصوص قوانین مخصصات مسلحانه غیربین‌المللی، جنگجویان خارجی می‌توانند به صفوف نیروهای مسلح دولت حاکم یا کنشگران غیردولتی که در برابر آن شورش می‌کنند؛ بپیوندند. بنظر می‌رسد که در هیچ یک از این موارد ملیت تأثیری بر جایگاه مبارزان ندارد. همچنین شواهد نشان می‌دهد که جنگجویان خارجی نسبت به رعایت استانداردهای قانونی بین‌المللی که در مورد نحوه پیش برد مخصصات تنظیم شده است، تمایلی چندانی ندارند.

واژگان کلیدی: جنگجویان خارجی، حقوق بین‌الملل، کنوانسیون ژنو، پروتکل الحاقی

\*\*\* گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

\*\*\* گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران - گروه حقوق، دانشگاه اصفهان،

اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول) a\_arashpour@yahoo.com

\*\*\* گروه حقوق، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، نجف آباد، ایران.

## مقدمه

حضور و مشارکت جنگجویان خارجی در درگیری‌ها و مناسبات مسلحانه در خاورمیانه چالش‌های فراوانی برای ثبات و امنیت این منطقه و صلح و امنیت بین‌المللی ایجاد کرده و موجب گسترش دامنه درگیری‌ها، تشدید اقدامات سبعانه علیه غیرنظامیان و فجایع ناگفتنی شده است. چنین می‌نماید که آحاد کشورها و جامعه بین‌المللی دیرنگام متوجه تهدیدهای ناشی از هجوم جنگجویان خارجی به منطقه شدند و اکنون سخت در تلاش‌اند با آن مقابله کنند. مطالعات فراوانی درباره علل پیدایش و گسترش این پدیده، اهداف و انگیزه‌های پیوستن به گروه‌های مسلح در آن سوی مرزها، شیوه‌های جذب نیرو و تأمین مالی جنگجویان خارجی، کیفیت و نقش آنان در مخاصمه، تشکیلات و ساختار راهبریانان و چگونگی هماهنگ کردن اقدامات کشورها برای مقابله با این پدیده انجام گرفته است. در این میان، خصلت بین‌المللی موضوع، ابعاد گوناگون و درگیر شدن بازیگران مختلف در آن پرسش‌هایی در حقوق بین‌الملل برانگیخته است. یافتن چارچوب هنجاری بین‌المللی برای مقابله با سیل فرآینده جنگجویان خارجی و تهدیدهای ناشی از آن از اهمیتی فوق‌العاده برای حاکمیت قانون در روابط بین‌المللی برخوردار است. کاوش در اصول عام حقوق بین‌الملل و قطعنامه‌های الزامی شورای امنیت در مقابله با جنگجویان خارجی حاکی از تعهداتی برای دولت مبدأ در دو مرحله عزیمت و نیز بازگشت جنگجویان خارجی است.<sup>۱</sup>

با توجه به اهمیت جنگجویان خارجی در دو دهه اخیر و تأثیر آن‌ها در معادلات منطقه‌ای به ویژه در خاورمیانه، این مقاله بر آن است که این موضوع را با بررسی و مرور معاهدات حقوق بشر، تفاسیر حقوقی، تصمیمات قضایی صورت گرفته از سوی دادگاه‌های بین‌المللی تا حدودی روشن کند. اینکار با نظر به قوانین بشر دوستانه

---

۱. حبیبی، محمد. (۱۳۹۵). جنگجویان خارجی در خاورمیانه و تعهدات دولت مبدأ، فصلنامه آفاق امنیت، ۸ (۲۸).

بین‌المللی که در مورد مخاصمات مسلحانه بین‌الملل (IACs) و مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی (NIACs) کاربرد دارد؛ انجام خواهد شد؛ چرا که جایگاهی که این دو شعبه از قوانین بشر دوستانه بین‌المللی به مبارزان به اسارت گرفته شده می‌دهد؛ بسیار متفاوت است.

### ۱. تاریخچه جنگجویان خارجی

در گستره تاریخ همیشه کسانی بوده‌اند که برای آرمان‌خواهی و یا به دست آوردن ثروت یا ارضای میل جنگاوری خویش به گروه‌های آزادی‌بخش یا گروه‌های تروریستی پیوسته‌اند. بعد از جنگ جهانی دوم با توجه به قطب‌بندی‌های جدید در عرصه بین‌الملل و ظهور و تثبیت آمریکا به عنوان یکی از اقطاب قدرت در دنیا در مقابله و رقابت با کمونیسم شوروی، جنگجویان آرمان‌گرای بسیاری برای رسیدن به اهداف آرمانی خود به مکتب مارکسیسم روی آوردند و مبنای مبارزاتی خویش را بر پایه آن بنا کردند.<sup>۱</sup> (محمدی، ۱۳۸۷: ۳۹). در کوبا هسته اصلی جنبش جنبش ۲۶ ژوئیه، مبارزان مارکسیست متشکل از ملیت‌های مختلف آمریکای لاتین تشکیل شده بود و هدف آن در قدم اول آزادسازی کوبا و در نهایت مبارزه با امپریالیسم و آزادی کشورها و ملت‌ها از بند دیکتاتورهای دست‌نشانده بود.<sup>۲</sup> مشرب مبارزاتی ساندنیست‌ها در نیکاراگوئه، آموزه‌های مارکسیستی بود و مبارزان ساندنیست در آمریکای مرکزی و آمریکای جنوبی به همراه دیگر مبارزان علیه دیکتاتورهای دست‌نشانده به مبارزه می‌پرداختند.<sup>۳</sup>

همچنین در کشورهای دیگر گروه‌های شبه نظامی تشکیل شد به عنوان مثال مبارزان حزب کارگران کردستان را، افرادی با ملیت قوم کرد از کشورهای مختلف منطقه من جمله عراق و سوریه تشکیل می‌دهند. دولت ترکیه مدعی است سی هزار نفر از

---

۱. محمدی، هادی. (۱۳۷۸). تاریخ مختصر گروه‌های مارکسیستی در کوران انقلاب، مشهد: اترک، ص: ۳۹.

۲. دترز، کوندرا. (۱۳۸۹). نهضت‌های انقلابی در آمریکای لاتین از بولیوار تا گوارا، لندن: نشر کارگر

۳. Ramirez, Tan, (۲۰۱۱) " The New Terrorism: Diagnosis and Prescriptions" , Singapore: Eastern University Press.

۹۶... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

شهروندان و نظامیان این کشور در عملیات‌های مختلف توسط این گروه کشته شده‌اند. این حزب انشعابات مختلفی از جمله پژاک ایران و پژاک عراق را دارد.<sup>۱</sup> گروه‌های متشکل از مبارزان مسلمان را از گروه‌هایی که مبنا و ایدئولوژی مبارزاتی خود را مبانی اسلام قرار داده‌اند باید جدا دانست. گروه‌هایی مثل جنبش آزادی‌بخش فلسطین که هسته اولیه آن را مبارزان فلسطینی برای دستیابی به هدف آزادسازی فلسطین تشکیل دادند اما نقطه عطف و گذرگاه تاریخی به وجود آمدن گروه‌های مجاهد بدون مرز و جنگجویان مسلمان خارجی را بتوان از آغاز حمله شوروی سابق به افغانستان دانست.<sup>۲</sup> شکل‌گیری القاعده در این کشور را می‌توان سرآغازی برای تشکیل گروه‌های جنگجویی دانست که از کشوری به کشور دیگر منتقل می‌شدند با پایان یافتن جنگ در افغانستان؛ بسیاری از افرادی که در کنار اسامه بودند، به سرزمین خود بازگشتند. بعد از جنگ افغانستان؛ خود بن‌لادن هم که به عربستان برگشته بود، به حمایت از گروه‌های مخالف در عربستان و یمن ادامه داد و با تشکیل «انجمن جهاد» به پشتیبانی از گروه‌هایی مانند جماعت اسلامی مصر، جهاد یمن، مجمع‌الحدیث پاکستان، لیگ پارتیزان‌های لبنان، جماعت اسلامی لیبی، بیعه‌الامام اردن، جماعت اسلامی الجزایر و... پرداخت. در آن زمان که اسامه در افغانستان به سر می‌برد، رفته رفته افراد و گروه‌های محدود و وفاداری در اطراف او پدید آمد که آماده هر نوع از خودگذشتگی در راه عملی کردن اهداف و مقاصد اسامه بودند.<sup>۳</sup> بن‌لادن در طی فعالیت‌ها و اقدامات تروریستی خود، هزاران جنگجوی اسلامی از ملیت‌ها و نژادهای مختلف را از دانشگاه‌های دنیای عرب و حتی اروپا و آمریکا و همچنین دنیای عرب از منطقه خلیج فارس گرفته تا آفریقا و چین در روسیه، جذب گروه خود کرد و ده‌ها عملیات ترور و

۱. وایت، ام‌جی. (۱۳۸۴). سیاست و حکومت و ایالات متحده، قربانعلی گنجی، تهران: قومس

۲. ابراهیمی، نبی‌اله (۱۳۸۸). نوسلفی‌گری و جهانی شدن امنیت خاورمیانه، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۳. پولی، میشل. (۱۳۸۰). خالد دوران، ترجمه مهشید میرمعزی، تهران: انتشارات روزنه.

انفجار بر ضد منافع آمریکا و غرب که ایشان را کفار می‌خواند انجام داد. بزرگترین عملیات تروریستی القاعده حمله به برج‌های دوقلوی تجاری در نیویورک بود که سرآغاز حمله و جنگ‌های ویرانگری در عرصه خاورمیانه گردید.<sup>۱</sup> از سایر گروه‌های دیگر می‌توان به گروه الشباب، گروه جماعت اسلامی مصر، گروه اسلامی ابوسیف، بوکوحرام، القاعده یمن و لیبی، اشاره کرد.<sup>۲</sup>

اما مهمترین گروه شبه نظامی با داعیه اسلامی در چند سال اخیر گروه داعش بودند که توانستند با جذب هزاران نفر از جوانان، بخش‌هایی از سوریه و عراق را تصرف کنند. مداخله آمریکا بسترساز شکل‌گیری داعش در عراق شد؛ اما واقعیت این است که آمریکا داعش را مانند القاعده در راستای اهداف خود و برای تسخیر و تقسیم کشورهای نفت خیز خاورمیانه و مقابله با نفوذ فزاینده ایران در منطقه ایجاد کرده است. در نتیجه، القاعده و شاخه‌های آن در دیگر کشورهای اسلامی در نتیجه هم‌پیوندی منافع آمریکا و گروه‌های تندرو در کشورهای اسلامی ایجاد شدند و مقامات غربی به روش‌های مختلف به آن اعتراف کردند.<sup>۳</sup> دستیابی به تسلیحات، مهمات و تجهیزات پادگان‌های نظامی در عراق و سوریه و همچنین تسلط بر منابع مهم نفتی در این دو کشور، در کنار قلمرو وسیع جغرافیایی که در اختیار دارد، داعش را در موقعیتی کم‌نظیر میان تمامی بازیگران غیردولتی در سراسر جهان قرار داده است.<sup>۴</sup> سرانجام داعش با ائتلاف تقریباً همه کشورهای جهان و خشونت‌های بی‌حد و اندازه آن‌ها در قتل عام نظامیان و غیرنظامیان نابود شد.

---

۱. بریزارد، ژان شارل، داسکیه، گیوم (۱۳۸۱) بن لادن حقیقت ممنوع، عبدالحسین نیک گهر، تهران: نشرآگه

۲. Anderson, Tim (۲۰۱۵), "The Insidious Relationship between Washington and ISIS: The Evidence", Global Research, September ۰۳.

۳. Chengu Garikai, (۲۰۱۵) "America Created Al-Qaeda and the ISIS Terror Group", Global Research, November ۱۴.

۴. Atwan, Jaffar (۲۰۱۴). Impact of stemmer on arabic text retrieval. Asia Information Retrieval Symposium, ۳۱۴-۳۲۶

۹۸... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

به طور کلی جنگجویان مسلمان را نیز می‌توان نسلی جهانی در نظر گرفت؛ نسلی که از مشابهت‌های موجود بین جوانان هوادار گروه‌های تکفیری در سراسر جهان به وجود آمده است. در واقع علیرغم تفاوت‌های فرهنگی عمیق موجود بین اعضا و هواداران این گروه‌ها در سراسر جهان، جهان‌بینی و عقاید و ارزش‌های مشترک باعث شده است که اعضا و هواداران یک نسل جهانی را تشکیل دهند.<sup>۱</sup> البته در آموزه‌های اسلام، روش تروریستی کاملاً مردود است و هدف (ارسال پیام تهدیدآمیز برای دشمن)، وسیله (از طریق کشتن افراد بی‌گناه و ایجاد رعب و وحشت) را به هیچ وجه توجیه نمی‌کند.<sup>۲</sup>

#### ۱-۱. شکل‌گیری پدیده جنگجویان خارجی از منظر تئوری روابط بین‌الملل

رفتارهای جنگجویان خارجی یک فعالیت ابزاری مبتنی بر منطق خردگرایی هزینه-فایده نیست که بتوان به راحتی آن‌ها را درک، کنترل یا مدیریت کرد. از طرف دیگر، قاعده رفتاری آن‌ها با بسیاری از مفروضات اصلی تئوری‌های روابط بین‌الملل سازگاری ندارد. بنابراین هیچ‌یک از انتخاب‌های خردگرایانه و جریان میانه امکان تحلیل جامع را ندارند. با این حال مفاهیمی از چارچوب تحلیلی سازه‌نگاری با نگاه به عوامل جامعه شناختی، هنجاری، هویت، فرهنگ و تاکید بر نقش گفتمان‌ها زمینه مناسبتری را برای تحلیل گروه‌های هویتی-ایدئولوژیکی فراهم می‌آورد. از جمله این مفاهیم توجه به مبانی مقوم «هویت جمعی» و توجه به «امنیت هستی شناختی» در کنار امنیت فیزیکی است که در تحلیل رفتار جنگجویان خارجی در عرصه روابط بین‌الملل از قدرت تبیینی بیشتری نسبت به نظریات جریان اصلی برخوردارند.

---

۱. زارعان، احمد (۱۳۹۴). موانع تشکیل دولت ملی در سوریه، مطالعات راهبردی جهان اسلام، تابستان - شماره ۶۲

۲. زارعی، سعادت‌الله (۱۳۹۳). دوستی و دشمنی امریکا و داعش (الگوی رفتاری امریکا با تروریسم)، مطالعات راهبردی جهان اسلام، بهار، شماره ۵۷

از آنجا که نظریات جریان اصلی روابط بین‌الملل بر نوعی تعهد به خردگرایی استوار بوده و هویت و منافع بازیگران را مفروض انگاشته و برونزا تلقی می‌کنند؛ توان پاسخگویی به تحولات نوظهور در عرصه روابط بین‌الملل در نتیجه شکل‌گیری و گسترش گروه‌های هویتی - ایدئولوژیک افراطی و در نتیجه جذب جنگجویان خارجی در این گروه‌های افراطی را ندارند. در طرف دیگر، در نظریات سازه‌نگاری دولت‌ها همچنان بازیگران اصلی و شکل‌دهنده تناظری ساختار هستند و همچنین، از دیگر معایب این چارچوب، این مسأله است که در این چارچوب هویت‌ها بر اثر تعامل، شکل گرفته و هویتی به شکل ما قبل تعاملی / ما قبل اجتماعی وجود ندارد.

قواعد رفتاری افراط‌گرایان حاصل درک جمعی آنهاست. علاوه بر این، تعاملات بین‌دولتی افراط‌گرایان درک آنها را از جهان شکل می‌دهد و نقششان را تعیین می‌کند. در این ارتباط باید توجه کرد که کنشگران و ساختارها نیز به صورت متقابل ساخته می‌شوند؛ تعامل کنشگران، ساختارها را شکل می‌دهد و برعکس. در واقع، درک رابطه ساختار - کارگزار موجب فهم این واقعیت می‌شود که چگونه کنشگران و ساختارهای بین‌المللی و خارجی در موضوع افراط‌گرایی به رفتار یکدیگر شکل می‌دهند.<sup>۱</sup>

این گروه‌های افراطی و افرادی که به عنوان جنگجویان به آن می‌پیوندند؛ از آنجا که قالب دولت را نمی‌پذیرند و ساختار موجود روابط بین‌الملل را تخطئه می‌کنند، بسیار دشوار است که بتوان اقدامات آنها را داخل یکی از تئوری‌های موجود روابط بین‌الملل قرار داد. اصولاً خروج از مرزهای دولت متبوع و وارد شدن به حدود مرزهای یک دولت بیگانه به آن معنی است که این مرزها از نظر این افراد صرفاً مرزهایی فیزیکی و غیرقابل قبول برای تحدید روابط انسانی هستند.

یک جنگجوی خارجی به این مناسبت که از لحاظ اخلاقی (و البته در گروه‌های جهادی افراطی از لحاظ تکلیف دینی) خویش را موظف به قیام علیه ساختارها و

---

۱. جمالی، جواد (۱۳۹۰) افراط‌گرایی در پاکستان؛ مبانی عملکرد و چشم‌انداز، تهران: موسسه اندیشه سازان نور

۱۰۰... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

مناسبات درهم تنیده و غیراخلاقی و یا غیر شرعی موجود می‌داند، در واقع هیچ تقسیم‌بندی و مرزبندی سیاسی حاصل از مراودات بین‌المللی موجود را به رسمیت نمی‌شناسد. چه اینکه خود او برای درهم شکستن این مناسبات و نتایج حاصل از آن قیام کرده و رنج سفر و دوری از خانه و خانواده را متحمل شده است.<sup>۱</sup>

### ۲-۱. بعد هویتی جنگجویان

در ارتباط با بعد ایجابی و ایجاد هویت و تصور جنگجویان خارجی از خویشتن خویش؛ کارکرد هویت، شکل‌گیری گروه و رفتار گروهی است. افراط‌گرایان وضعیت تعاملی خود با سایر گروه‌های هم‌سنخ و هم‌مسلكشان را با توجه به ارزش‌های بنیادین همسان، علائق و عقاید مشترک و جهان‌بینی یکسان، به گونه‌ای می‌فهمند که نوعی هویت مشترک را می‌سازند و به گفته «بارنت» و «آدلر» به حس «ما بودن» دست پیدا می‌کنند.<sup>۲</sup>

این ما بودن در نظر جنگجوی خارجی هویتی است که شکل می‌گیرد تا آن را به دستیابی و تحقق اهداف و آمال تشکیل دهندگان این هویت جدید رهنمون سازد. در مورد جنگجویان خارجی پیوسته به گروه‌های مارکسیستی و یا آزادی‌خواه مبتنی بر ایده مارکسیسم، می‌توان هویت جمعی به وجود آمده را براساس ایده جهان وطنی و مبارزه جهانی علیه کاپیتالیسم و سرمایه‌داری و امپریالیسم تفسیر و تبیین نمود. همچنین گروه‌های جهادی اسلامی که پذیرای جنگجویان خارجی از ملل دیگر بوده‌اند این هویت جمعی را براساس موعودگرایی و تحولات آخرالزمانی تشکیل می‌دهند. داعش در شماره اول نشریه خویش که در سوریه منتشر می‌گردد و نام «دابق» (دابق خود از مفاهیم موعودگرایانه است. بنا به برخی روایات اهل تسنن؛ برخورد میان سپاه مهدی و

---

۱. امینیان، بهادر (۱۳۸۵). نقش آمریکا در محیط استراتژیک جدید ایران، سیاست دفاعی، دانشگاه امام حسین (ع)، ش ۳۶.

۲. Adler, Emanuel (۱۹۹۸), "Studying Security - Communication in Theory: Comparison and History, Cambridge university press.



سفیانی در مکانی به نام دابق صورت می‌گیرد. دابق نام شهری کوچک در سوریه است) را بر خود دارد، این تیتراژ به کار برد: «داعش؛ جیش المهدی»<sup>۱</sup> بنابراین، تعلقات ایدئولوژیک و متصلب افراط‌گرایان (مکتبی، ایدئولوژیک یا مذهبی) پایدارترین و مؤثرترین منشاء هویتی - رفتاری آن‌ها شناخته می‌شود. باورهای گروهی و انگاره‌های مشترک که بخشی از هویت جمعی گروه‌ها را می‌سازند؛ معمولاً در خاطره جمعی، اسطوره‌ها، روایت‌ها و سنت‌هایی حک می‌شوند که به چیستی یک گروه و چگونگی رابطه آن با سایرین قوام می‌بخشند. این روایت‌ها پدیده‌هایی ذاتاً تاریخی‌اند که از طریق نسل‌ها و با فرآیند مستمر جامعه‌پذیری و اجرای مناسک زنده می‌مانند. بدون تردید، روایت‌هایی که «قربانی شدن» و یا ظلم به یک گروه، طبقه، مذهب را در گذشته بیان می‌کنند منبع ادراکی بسیار قوی برای واکنش‌های تهاجمی محسوب می‌شوند.<sup>۲</sup>

باتوجه به ارتباط موضوع جنگجویان با موضوع تروریسم، لازم است مفهوم تروریسم در اسناد بین‌المللی مشخص گردد.

در ماده ۱۴۸ «مجموعه قوانین کیفری نمونه»<sup>۳</sup> که براساس ماده دو کنوانسیون مبارزه با بمب‌گذاری تروستی تنظیم شده است، در تعریف تروریسم در شکل خاص، یعنی تروریسم از طریق بمب‌گذاری،<sup>۴</sup> تعریفی مشابه کنوانسیون مذکور ارائه شده است.<sup>۵</sup> در بند یک از ماده کنوانسیون بین‌المللی منع حمایت مالی از تروریسم درباره تعریف این جرم آمده است:

الف) هر رفتاری که براساس معاهدات منضم به این کنوانسیون جرم تلقی شود؛ یا

۱. رائفی پور، علی اکبر (۱۳۹۳). مجموعه سخنرانی، تهران: مصاف.

۲. جمالی، جواد (۱۳۹۰) افراط‌گرایی در پاکستان؛ مبانی عملکرد و چشم انداز، تهران: موسسه اندیشه سازان نور

۳. Connor, Vivienne and Colette Rausch, with Hans-Joerg Albrecht and Goran Klemencic, Model for Post-Conflict Criminal Justice, vol.I, Washington, D.C., United States Institute of Peace, ۲۰۰۷, p.۳۲۵.

۴. terrorist bombing

۵. article ۱۴۸: Terrorist Bombing; article ۱۴۸,۱: Definition of Offense:

۱۰۲... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

ب) انجام هر علمی به قصد کشتار یا ایراد صدمات جسمانی شدید به غیر نظامیان یا افراد دیگر که در عملیات جنگی، حین مخصصات مسلحانه، به صورت موثر شرکت نداشته باشند، مشروط بر اینکه هدف چنین اقدامی با توجه به ماهیت یا پیش زمینه آن، ترساندن جامعه باشد، یا بدین قصد صورت گیرد که دولت یا سازمان بین‌المللی را به انجام یا ترک عملی وادار نماید.

در طرح پیشنهادی کمیسیون مربوط به مبارزه با تروریسم در اتحادیه اروپا برای تعریف تروریسم چنین پیشنهاد شده است: جرایم تروریستی را می‌توان چنین تعریف کرد که عبارت است از آن دسته از جرایمی که عمداً به وسیله یک فرد و یا گروهی، بر ضد یک یا چند کشور و یا بر ضد مؤسسات و یا مردم آنان و با هدف تهدید آنها و یا تغییر شدید و یا تخریب ساختارهای سیاسی، اقتصادی و یا اجتماعی آنها انجام شود.<sup>۱</sup> در ماده یک کنوانسیون شورای اروپا مربوط به پیشگیری از تروریسم<sup>۲</sup> در پروتکل الحاقی کنوانسیون اروپایی مبارزه با تروریسم سال ۲۰۰۳، آمده است که علاوه بر مباشرت، شرکت و نیز سازمان دهی و یا دستور به این جرایم و حتی شروع به اعمال یاد شده، جرم خواهد بود.<sup>۳</sup>

### ۳-۱. جنگجوی خارجی و مزدور

یکی از مسائلی که درباره‌ی ماهیت نیروهای نظامی طرفین درگیر در مخصصه مطرح می‌شود، موضوع استفاده از مزدور در یک مخصصه است. به طور سنتی، نیروی نظامی یک دولت از افراد و نیروهای جنگی تبعه و غیربیکانه آن کشور، که مظهر وطن پرستی و وفاداری به میهن هستند؛ تشکیل می‌شود. اما استفاده از مزدور در بدنه نیروهای

۱. proposal for a council framework decision on combating terrorism (presented by the commission) Brussels, com (۲۰۰۱) final, p. ۱۱:

۲. Council of Europe convention on the prevention of terrorism (ETS, No. ۱۹۶), Warsaw, ۱۶.V.۲۰۰۵.

۳. protocol amending the European convention on the suppression of terrorism, Strasbourg, ۱۵.V.۲۰۰۳:

The text of article ۱ of the convention shall be supplemented by the following paragraph:

نظامی یک دولت از جهات متعددی برای آن دولت حائز اهمیت است. از یک سو، دولت با به کارگیری مزدوران ورزیده و متبحر در امور نظامی مشکل کمبود نیروهای نظامی خود را برطرف می‌کند و احتمال پیروزی خود در نبرد را افزایش می‌دهد و از دیگر سو، با جایگزین کردن مزدوران به جای نیروهای نظامی ملی، شمار تلفات ارتش خود را کاهش می‌دهد. دولت در استفاده از مزدور در صحنه نبرد ممکن است آن قدر افراط کند که بخش عمده اعمال نظامی را به مزدوران به صورت پیمانکاری واگذار کند و خود صرفاً اداره کننده و تماشاگر صحنه نبرد باشد.

در فرهنگ حقوقی آکسفورد، مزدور اینگونه تعریف شده است: «شخصی که برای مبارزه در یک مخاصمه‌ی مسلحانه استخدام می‌شود و نه تبعه‌ی یکی از طرفین مخاصمه است و نه عضوی از نیروهای مسلح آنان» Elizabeth & Jonathan دانشنامه‌ی «بریتانیکا» مزدور را چنین تعریف کرده است: <sup>۱</sup> «شخصی که صرفاً به انگیزه منفعت شخصی خدمات یا اعمالی را انجام می‌دهد...» به ویژه سربازی که خودش را در هر ارتشی که ممکن است آن را اجاره کرده باشد، برای خدمت به آن ارتش در اختیار قرار می‌دهد»<sup>۲</sup>

## ۲. قوانین بین‌المللی حاکم بر مزدوری

رژیم حقوقی حاکم بر مزدوری شامل اسناد متعددی از جمله یک معاهده منطقه‌ای، یک کنوانسیون ملل متحد، قطعنامه‌های مجمع عمومی و شورای امنیت ملل متحد، بیانیه‌ها و اعلامیه‌هاست. جامعه‌ی بین‌المللی سعی داشته است در برابر پدیده خطرناک مزدوری واکنش نشان دهد زیرا این پدیده باعث مشکلات حقوقی متعددی می‌شود. برای نمونه مشارکت مزدور در مخاصمه ممکن است منجر به نقض حقوق بی‌طرفی شود. همچنین پدیده مزدوری نیازمند جرم‌انگاری و تعقیب در سطح بین‌المللی است و

۱. Elizabeth & Jonathan (۲۰۰۶). Oxford Dictionary of Law ۸th Edition.

۲. Encyclopaedia Britannica, ۱۹۵۵ ed., Vol. ۱۵, p. ۲۶۴.

۱۰۴... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

باید تابع مقررات بین‌المللی باشد. از سوی دیگر مزدوری در مواردی دارای آثار و تبعاتی همچون بی‌ثبات کردن دولت‌ها، گسترش تروریسم و قاچاق تسلیحات می‌باشد. با توجه به این که مزدوران چندان قابل کنترل و پاسخگوی اعمال خود نیستند؛ این مسأله نظم جهانی را دچار اختلال می‌نماید و در مواردی می‌تواند تبدیل به تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی گردد.

کنوانسیون پنجم لاهه مبین نخستین تلاش برای تدوین حقوق بین‌الملل عرفی در زمینه استفاده از مزدور است. این کنوانسیون که در پی تبیین حقوق و تکالیف دول بی‌طرف در قبال دول متخاصم در خلال مخاصمه است به مسأله کاربرد نیروی داوطلب نیز می‌پردازد. این کنوانسیون بین به کارگیری مؤثر داوطلبان توسط دولت در داخل سرزمین خود و اعمال شهروندانی که با رضایت خود به استخدام ارتش بیگانه درآمده‌اند تفکیک قائل شده است. به طور خاص، ماده ۴ این کنوانسیون دولت بی‌طرف را از تأسیس مراکز به کارگیری داوطلبان در داخل سرزمین خود و افزایش نیروهای مسلح به نفع یکی از طرفین درگیر در مخاصمه منع می‌نماید.

ماده ۶ صراحتاً اشاره می‌دارد لازم نیست یک دولت بی‌طرف اتباع خود یا اتباع بیگانه مقیم در سرزمین خود را از خروج از مرزها و پیوستن به ارتش یکی از دول متخاصم منع نماید. بر مبنای این کنوانسیون دول بی‌طرف از ایجاد مراکز به کارگیری نیروی داوطلب در خاک خود برای تأمین نیروی نظامی یکی از طرفین درگیر در مخاصمه منع شده‌اند؛ اما پدیده مزدوری غیرقانونی تلقی نشده است. بنابراین، اتباع یک کشور و حتی اتباع بیگانه دولت بی‌طرف می‌توانستند به عنوان مزدور استخدام شوند. در حقیقت کنوانسیون پنجم لاهه، در ارتباط با پدیده مزدوری، مسئولیت مستقیم دولت‌ها در قبال این پدیده را مورد توجه خود قرار داده است.

پس از تصویب منشور ملل متحد، مجمع عمومی ملل متحد و به ویژه نهادهای مرتبط با آن مانند کمیساریای عالی حقوق بشر به مسأله مزدوری توجه فراوان نموده‌اند. بالغ بر صد قطعنامه‌ی صادره از مجمع عمومی وجود دارد که پدیده مزدوری را مورد

پدیده جنگجویان خارجی از منظر حقوق بین‌الملل..... ۱۰۵

توجه قرار داده است. مجمع عمومی ملل متحد به اتفاق آرا قطعنامه‌ی ۲۱۳۱ مورخ ۲۱ دسامبر ۱۹۶۵ تحت عنوان «اعلامیه‌ی عدم پذیرش مداخله در امور داخلی دولت‌ها و حمایت از استقلال و حاکمیت دولت‌ها» را صادر نمود و به طور تلویحی دولت‌ها را از استخدام، سازمان‌دهی، تأمین مالی یا ارسال مزدور برای مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر منع کرد.

مجمع عمومی در قطعنامه‌ی ۲۶۲۵ مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۶۸ اعلام داشت «مزدوران خود جنایتکار و متمرّد از قانون هستند»

در قطعنامه ۲۴۶۵ تلاش شده است؛ استفاده از مزدور مخالف جنبش‌های آزادی بخش و استقلال ملی تلقی شود.<sup>۱</sup> این قطعنامه در پاراگراف ۸ خود از دولت‌ها می‌خواهد برای جلوگیری از این که شهروندان آن‌ها به عنوان مزدور خدمت نمایند؛ قوانین لازم داخلی وضع کنند و استخدام، تأمین مالی و تعلیم مزدور را جرم‌انگاری کنند. در قطعنامه ۳۱۰۳ مورخ ۱۲ دسامبر ۱۹۷۳ مجمع عمومی دیگر بار پدیده مزدوری را در قالب دوران پس از استعمار مورد توجه قرار می‌دهد و در ماده ۵ خود استفاده از مزدور توسط رژیم‌های نژادپرست و استعماری را علیه جنبش‌های آزادی بخش ملی که برای آزادی و استقلال خود مبارزه می‌نمایند عملی کیفی تلقی می‌کند که باید مجازات گردد.<sup>۲</sup> در قطعنامه‌ی «تعریف تجاوز»<sup>۳</sup> مورخ ۳۳۱۴ مورخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴ نیز در بند ۷ ماده ۳ اعزام دسته‌ها، نیروها، گروه‌های نامنظم یا مزدوران مسلح توسط یا از جانب یک دولت به منظور انجام عملیات مسلحانه علیه دولتی دیگر از مصادیق تجاوز تلقی شده است. مجمع عمومی ملل متحد در قطعنامه‌های متعدد و فراوان دیگری نیز به گونه‌ای پدیده‌ی مزدوری را مورد توجه قرار داده است.<sup>۳</sup> صدور قطعنامه‌ها متعدد از سوی مجمع عمومی

۱. G. A. Res. ۲۱۳۱, U.N. GAOR, ۲۰th Sess., Supp. No. ۱۴, at ۱۱, U.N. Doc. A/۶۰۱۴ (Dec. ۲۱, ۱۹۶۵).

۲. G.A. Res. ۳۱۰۳, U.N. GAOR, ۲۸th Sess., Supp. No ۳۰, at ۱۴۲, U.N. Doc. A/۹۰۳۰ (Dec. ۱۲, ۱۹۷۳).

۳. G.A. Res. ۱۵۹۹ (April, ۱۵, ۱۹۶۱), ۲۳۹۵ (November, ۲۹, ۱۹۶۸), ۲۵۴۸ (December, ۱۱, ۱۹۶۹),

۱۰۶... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

در زمینه مزدوری ناشی از فضای سیاسی استعمارزدایی و حق تعیین سرنوشت بوده و نشان از تهدیدی است که این پدیده برای جنبش‌های آزادی بخش داشته است.

شورای امنیت به پدیده و مقوله مزدوری صرفاً در قالب تهدیدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی پرداخته است. دلیل این امر نیز آشکار است؛ تمرکز شورای امنیت با توجه به ماده ۲۴ منشور ملل متحد بر مسأله حفظ صلح و امنیت بین‌المللی است. چهار مجموعه از قطعنامه‌های شورای امنیت نیز به مسأله مزدوری توجه کرده است.

● مجموعه اول: دهه‌ی ۱۹۶۰ در کنگو؛ شورا در این قطعنامه‌ها خواستار حذف مزدوران از درگیری‌های کنگو در خلال مأموریت حفظ صلح (ONUC) بین سال‌های ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۴ می‌شود (قطعنامه ۱۶۱ مورخ ۲۱ فوریه ۱۹۶۱/ قطعنامه‌ی ۱۶۹ مورخ ۲۴ نوامبر ۱۹۶۱). در سال ۱۹۶۴ شورای امنیت خواستار حذف مزدوری به عنوان یک «مسأله حیاتی» شد ۱ (قطعنامه ۱۹۹ مورخ ۳۰ دسامبر ۱۹۶۴). بین سال‌های ۱۹۶۶ تا ۱۹۶۸ نیز شورای امنیت قطعنامه‌هایی صادر نمود؛ از جمله قطعنامه ۲۶۶ مورخ ۱۴ اکتبر ۱۹۶۶ در مورد آنگولا. در این قطع نامه از کلیه‌ی دولت‌ها به ویژه پرتغال خواسته شده بود از کمک به مزدوران امتناع نمایند. در قطعنامه‌های ۲۳۹ مورخ ۱۹ ژوئن ۱۹۶۷ و ۲۴۱ مورخ ۱۵ نوامبر ۱۹۶۷، شورای امنیت در ارتباط با پدیده مزدوری و تهدید ایجاد شده توسط آن‌ها علیه تمامیت ارضی و استقلال دولت‌ها هشدار می‌دهد و کوتاهی دولت پرتغال در جلوگیری از استفاده از آنگولا به عنوان پایگاه مزدوران را محکوم می‌نماید.

● مجموعه دوم: دهه ۱۹۷۰ در بنین؛ در قطعنامه ۴۰۵ مورخ ۱۴ آوریل ۱۹۷۷ شورای امنیت دیگر بار پدیده‌ی مزدوری را، که در صدر قطعنامه ۲۴۱ مطرح شده بود؛ تکرار و با تأکید آن را قویاً محکوم نمود. در قطعنامه ۴۱۹ مورخ ۲۴ نوامبر ۱۹۷۷، شورای امنیت از دولت‌ها می‌خواهد:

«نهایت هوشیاری خود را علیه خطر ایجاد شده توسط مزدوران بین‌المللی اعمال نمایند و تضمین نمایند که سرزمین آن‌ها و دیگر سرزمین‌های تحت کنترلشان و

## پدیده جنگجویان خارجی از منظر حقوق بین‌الملل..... ۱۰۷

همچنین اتباع آن‌ها برای برنامه‌ریزی جهت سرنگونی، استخدام و آموزش مزدوران استفاده نشود».

● مجموعه سوم: دهه ۱۹۸۰ در سیشل؛ شورای امنیت در ارتباط با مزدورانی که برای کودتا در سیشل تلاش می‌کردند نیز مبادرت به صدور قطع‌نامه‌هایی نمود و عمیقاً نگرانی خود را نسبت به این مسأله به ویژه برای دول کوچک و ضعیف اعلام داشت. اقدام به هواپیما ربابی توسط مزدوران نیز باعث حساسیت بیشتر شورای امنیت در این زمینه گردید.

شورای امنیت با صدور قطعنامه ۴۹۶ مورخ ۱۵ دسامبر ۱۹۸۱ به تشکیل کمیته تحقیق و اعزام آن به سیشل مبادرت نمود. در قطعنامه ۵۰۷ مورخ ۲۸ می ۱۹۸۲، شورای امنیت ضمن تأکید مجدد بر قطع‌نامه‌های ۲۳۹ و ۲۴۱ به سمت محکومیت کلیه اشکال مداخله داخلی و خارجی از جمله استفاده از مزدور برای بی‌ثباتی دولت‌ها یا نقض تمامیت ارضی، حاکمیت و استقلال دولت‌ها گام برمی‌دارد.

● مجموعه چهارم: بعد از سال ۲۰۰۰ در آفریقای غربی؛ شورای امنیت از اواسط دهه ۸۰ تا ۹۰ میلادی در مورد پدیده مزدوری قطعنامه‌ای صادر نکرد؛ اما در سال ۲۰۰۰ در ارتباط با ساحل عاج، جایی که مزدوران فعالانه شرکت داشتند و حتی خود دولت ساحل عاج شرکت نظامی خصوصی **NORTHBRIDGE SECURITY SERVICES** را به خدمت گرفته بود، در قطعنامه ۱۴۶۷ مورخ ۱۸ مارس ۲۰۰۳، صراحتاً گسترش سلاح‌های کوچک و فعالیت مزدوران را تهدیدی علیه آفریقای غربی تلقی کرد. همچنین، شورای امنیت در قطعنامه ۱۴۷۹ هرگونه استخدام یا به کارگیری مزدور و واحدهای نظامی خارجی را منع می‌نماید. در مورد لیبیا نیز شورای امنیت در ۲۱ ژوئن ۲۰۰۵ قطعنامه‌ی ۱۶۰۷ را صادر و ارتباط پدیده مزدوری با تجارت غیرقانونی و قاچاق تسلیحات را تصریح نمود و در آن ارتباط بین استخراج غیرقانونی منابع طبیعی مثل الماس و الوار، تجارت غیرقانونی این منابع و گسترش قاچاق تسلیحات را

۱۰۸... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

با استخدام و به کارگیری مزدور به عنوان یکی از منابع تأمین کننده و تشدیدکننده‌ی مخاصمه در آفریقای غربی بالاخص لیبریا، به رسمیت شناخت»

### ۳. الگوهای پیوستن جنگجویان خارجی

افراط‌گرایی افراد و ویژگی متمایز انسان‌های افراطی به عوامل پیچیده‌ای بستگی دارد. در فرض‌های کلی پذیرفته‌شده، فقر و نبود آموزش به عنوان دلایل اصلی اجتماعی و اقتصادی برای افراط‌گرایی همیشه با اظهارات محققان اروپایی پیروی نمی‌کند. اگرچه کمابیش خشونت در شخصیت (جنگجویان خارجی) بر پایه کار داوطلبانه شخصی عمل می‌کند؛ ولی از دیدگاه اجتماعی و اقتصادی (آن را) در یک دسته متنوع نشان می‌دهد. بیشتر آن‌ها مردان جوان دانش‌آموخته و زنانی در دهه بیست سالگی، یا مسلمان زاده یا نوکیشان مسلمان دارای پایگاه اجتماعی و اقتصادی خوب، هستند. افزون بر این معمولاً اروپای همگرا به خاطر تجربه احساسی این گروه، حدی قائل می‌شود و (آن‌ها را) از جریان اصلی جامعه متمایز می‌کند. گرایش در میان بعضی از جوانان وجود دارد که فاقد حس وابستگی هستند تا مشتاق بشوند و به مبارزه طلبی بپیوندند و ممکن باشد به گروه‌های رادیکال خشونت‌آمیز بپیوندند. علاوه بر این، تحقیقات اروپا نشان می‌دهد که داشتن یک رابطه شخصی دائمی با یکی از چهره‌های مهم در یک محیط رادیکال، مانند رهبر فکری کاریزماتیک، به نظر می‌رسد زمان مهمی است که بر مردم تأثیر بگذارد تا حملاتی با انگیزه سیاسی را کمک یا انجام دهند. از همه مهمتر، این رهبران، و یا «ماموران استخدام» در حس ترغیب جوانان مسلمان بر این باور که دینشان مورد حمله قرار گرفته است و آن‌ها به عنوان مسلمانان موظف به دفاع از مسلمانان هستند؛ از مهارت بسزایی برخوردارند.<sup>۱</sup>

---

۱. Smith, Tuva Julie, Engebretsen. (۲۰۱۴). <http://www.ipcs.org/article/terrorism/islamic-state-and-foreign-fighters-jihadists-from-europe-۴۶۸۷.html>



پدیده جنگجویان خارجی از منظر حقوق بین‌الملل.....۱۰۹

بنابراین آشکار می‌شود که تمایز جنگجویان داوطلب با مزدوران در انگیزش‌ها و بنا به تعاریفی که از آن شده در اولویت بخشی ایدئولوژی، قومی و دینی در جنگجویان برخلاف مزدوران که، در پی حصول منفعتی عازم کشور دیگری می‌شوند؛ قرارداد دارد.

#### ۴. منابع حقوقی علیه جنگجویان خارجی

در اسناد بین‌المللی، منابعی در زمینه جنگجویان خارجی وجود دارد که به اختصار به آن‌ها اشاره می‌شود:

##### ۱- کنوانسیون پنجم لاهه

ماده‌ی ۴ کنوانسیون پنجم لاهه ۱۹۰۷ اشعار می‌دارد: «تشکیل گروه‌های مبارز و تأسیس مراکز استخدام نیروهای داوطلب در منطقه بی‌طرف برای کمک به نیروهای متخاصم ممنوع است.

##### ۲- قطعنامه ۲۱۷۸ شورای امنیت

این قطعنامه از حیث موقعیت زمانی و درجه اعتبار و الزام اجرایی با سه قطعنامه‌ی دیگر که از ۳۰ ژوئیه سال ۲۰۱۴ علیه داعش و تروریست‌های مسلح در سوریه و عراق، صادر شده بود؛ تفاوت شایان توجهی دارد.

قطعنامه ۲۱۷۸ در ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۴ در جلسه‌ای با حضور بالاترین مقامات کشورهای عضو شورای امنیت سازمان ملل، یعنی در سطح سران مطرح گردید و به تصویب رسید. اگرچه این قطعنامه که به پیشنهاد ایالات متحده امریکا بود به بهانه مقابله با اقدامات تروریستی داعش مطرح گردید لیکن عنوان آن به صورت کلی «تهدیدهای ناشی از اقدامات تروریستی علیه صلح و امنیت بین‌المللی» نام نهاده شد و به تصویب رسید.

این قطعنامه نیز براساس فصل هفتم منشور بوده و با اتفاق آراء به تصویب رسید.

۱۱۰... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

امریکا که پیشنهادکننده اصلی این قطعنامه محسوب می‌شد از این مهم در پی یافتن ائتلاف بین‌المللی به رهبری این کشور برای اقدام نظامی علیه داعش در سوریه بود.

این قطعنامه بر موارد ذیل تاکید دارد:

(۱): دولت‌ها بایستی با یکدیگر در زمینه پیشگیری از جابجایی بین‌المللی جنگجویان تروریست در مناطق مخاصمه همکاری نمایند.

(۲): افراط‌گرایی خشونت‌آمیز در این قطعنامه محکوم می‌گردد.

(۳): دولت‌ها با رعایت حقوق بین‌الملل از جذب نیرو، سازماندهی، جابجایی، یا تجهیز افرادی که به قصد تمهید، برنامه‌ریزی یا مشارکت در اقدامات تروریستی به کشورهای دیگر سفر می‌کنند؛ جلوگیری نمایند.

(۴): احتیاج ویژه و فوری به جلوگیری از سفر و پشتیبانی از جنگجویان تروریست خارجی مرتبط با دولت اسلامی عراق و شام، جبهه النصره و سایر انشعابات و گروه‌های وابسته به القاعده می‌باشد.

(۵): همه دولت‌ها باید از طریق سیستم حقوقی خود سازوکارها و تمهیدات لازم برای تعقیب سفرهای مرتبط با اقدامات تروریستی یا آموزش و همچنین تامین مالی یا تسهیل این اقدامات را ایجاد نمایند و اینگونه اقدامات را به عنوان جرایم مهم تلقی کنند.

(۶): با تاکید مجدد بر اینکه دولت‌های عضو باید اطمینان یابند که هرگونه تدابیر اتخاذی آن‌ها علیه تروریسم با تعهداتشان براساس حقوق بین‌الملل به ویژه حقوق بشر، حقوق پناهندگان و حقوق بشردوستانه سازگار است و تذکر اینکه عدم رعایت این موازین از جمله منشور ملل متحد خود یکی از عوامل افزایش افراط‌گرایی و ردایکالیسم خواهد بود

(۷): با تاکید بر اینکه تروریسم تنها با تکیه بر ابزارهای نظامی، اقدامات پلیسی و عملیات اطلاعاتی از میان نخواهد رفت و باید شرایط و عوامل رشد و گسترش تروریسم نیز مدنظر قرار گیرد.

- ۸): دولت‌ها با رعایت حقوق بین‌الملل به ویژه حقوق بشر و حقوق پناهندگان، تضمین نمایند که وضعیت پناهندگی در راستای تمهید، برنامه‌ریزی یا تسهیل اقدامات تروریستی مورد استفاده قرار نگیرد.
- ۹): خلع سلاح کلیه جنگجویان تروریست خارجی و توقف کلیه اقدامات تروریستی آن‌ها و مشارکتشان در درگیری‌های مسلحانه.
- ۱۰): درخواست همکاری دولت‌ها در زمینه تبادل اطلاعات عملیاتی در خصوص اقدامات و تحرکات تروریست‌ها و شبکه‌های تروریستی
- ۱۱): درخواست از دولت‌ها برای سرکوب عضوگیری، تجهیز و جابجایی افراد برای پیوستن به گروه‌های تروریستی، براساس حقوق بین‌الملل
- ۱۲): یادآوری اعمال قطعنامه ۱۳۷۳<sup>۱</sup> در مورد کلیه گروه‌های تروریستی
- ۱۳): کمک دولت‌ها به ظرفیت‌سازی در دولت‌های مواجه با تهدید جنگجویان تروریست خارجی

همانطور که ملاحظه می‌شود این قطعنامه به تبیین کلی موضوع مقابله با تروریسم پرداخته و بیش از اینکه در پی مواجهه با بحث اقدامات داعش باشد دنبال به نتیجه رساندن راهبرد خاص کشور ایالات متحده در زمینه مقابله با تروریسم می‌باشد. این قطعنامه در واقع مخاطب خود را کلیه گروه‌های تروریستی قرار داده و در یک بند، از دولت‌ها خواسته است که این قطعنامه را در مورد داعش و النصره نیز فوری اجرا کنند. در این قطعنامه به ظرفیت‌سازی در کشورهایی که تروریست‌ها در آن‌ها فعالیت دارند اشاره کرده و از اقدامات یکجانبه دولت‌ها در مقابله با این گروه‌ها جلوگیری به

---

۱. مصوب سال ۲۰۰۱ میلادی، بند الف ماده دوم این قطعنامه در مورد جلوگیری از عضوگیری گروه‌های تروریستی است و اشعار می‌دارد: از ارائه هرگونه پشتیبانی فعال یا غیرفعال به نهادها، یا به اشخاصی که در تروریسم دخالت دارند، خودداری کنند، از جمله با موقوف کردن عضوگیری گروه‌های تروریستی، و از بین بردن عرضه اسلحه به تروریست‌ها ب: - اقدامات لازم را در جهت جلوگیری از ارتکاب اعمال تروریستی، از جمله دادن هشدار اولیه، به سایر کشورها از طریق مبادله اطلاعات اتخاذ کنند.

۱۱۲... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

عمل آورده است و آن‌ها را مقید به رعایت اصول بین‌المللی در این زمینه و از جمله حق حاکمیت و تمامیت ارضی کشورها، دانسته است.

این قطعنامه تنها به حصر گروه‌های تروریستی در منطقه‌ی خاص پرداخته و بیشتر در پی آن است که سایر کشورها از پیوستن اتباعشان به این گروه‌ها ممانعت نمایند. بنابراین بیش از آنکه به ریشه کن کردن این گروه‌ها اهمیت دهد به عدم گسترش آن‌ها می‌اندیشد. بنابراین قطعنامه ۲۱۷۸- بر خلاف دو قطعنامه قبلی یعنی ۲۱۶۹ و ۲۱۷۰- بیشتر از آنکه قطعنامه‌ای ضد داعش باشد؛ ضد تروریسم و به کارگیری جنگجویان خارجی بصورت کلی است.

## ۵. جایگاه جنگجویان خارجی در قوانین مخاصمات مسلحانه

### بین‌المللی

با آنکه پدیده "جنگجویان خارجی" موضوع جدیدی نیست، ولی افزایش تعداد آنان و دامنه کشورهایی که از آنجا برمی‌خیزند؛ به گروه‌هایی که می‌پیوندند؛ انگیزش‌های آنان و مسیرهای بعدی، ماهیت پیچیده این مساله را پررنگ کرده و نگرانی‌هایی را در سطح جهان بوجود آورده است. با وجود این، تعهدات حقوقی و نیز سطح دقیق مصونیت حقوقی که پس از پیوستن این افراد به مخاصمه دامنه دار شامل حالشان می‌شود؛ کاملاً روشن نیست. خصوصاً، قوانین بشردوستانه بین‌المللی IHL، که سعی دارد از حقوق اساسی افراد و گروه‌های متاثر از مخاصمات مسلحانه حفاظت کند؛ رهنمود خاصی در خصوص جایگاه حقوقی آنان و متعاقباً نحوه برخورد با آنان، ارائه نداده است.

مولفه حمایتی قوانین بشردوستانه بین‌المللی اساساً بر تمایز میان طبقه بندی‌های گوناگون افرادی استوار است که ممکن است در مخاصمات شرکت کنند یا از آن متاثر شوند. در قوانین مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، تمایز اصلی بین "غیرنظامیان" و "نظامیان" است. غیرنظامیان قانوناً در برابر حمله مصون هستند (مگر آنکه بطور مستقیم

در مخاصمات شرکت کنند) تا از اثرات عملیات نظامی در امان بوده و امکان ارسال کمک‌های انسان دوستانه به آنان وجود داشته باشد. نظامیان، از طرف دیگر، "از حق شرکت مستقیم در مخاصمات برخوردارند" ولی طی درگیری همچنین ملزم‌اند به دشمن حمله کنند مگر آنکه "از توان افتاده باشند" (hors de combat) یا تحت تسلط قدرت طرف متخاصم از انجام این کار ناتوان باشند. در صورت مورد آخر، جایگاه زندانی جنگی (POW) بر آنان تعلق خواهد گرفت و امکان حبس آنان وجود خواهد داشت. با اینحال، بایستی پس از متوقف شدن مخاصمات "بدون تعلل آزاد و به کشور خود بازگردانده شوند" معاهده ژنو ۳ به تفصیل در مورد حقوق و مصونیت‌های اعطا شده به زندانیان جنگی و رفتار انسانی با آنان می‌پردازد.

مقرراتی که جایگاه زندانی جنگی را به افراد منتسب می‌کنند بنابر معاهداتی که دولت نسبت به آن‌ها ملزم هستند و همچنین براساس دامنه دقیق مقررات متعارف و معمول حقوق بشردوستانه بین‌الملل می‌تواند متغیر باشد. در کل، کشورهایی که نسبت به اولین پروتکل الحاقی رای موافق داده‌اند چنین ادعاهایی را براساس هنجارهای مقرر در مواد ۴۳ و ۴۵ این پروتکل مورد ارزیابی قرار خواهند داد. سایر کشورها تصمیم‌گیری خود را بر مبنای مقررات مقرر در معاهده ژنو ۳ که هنجارهای محدودکننده‌تری در مقایسه با اولین پروتکل الحاقی دارد اتخاذ خواهند کرد. تحلیل اجمالی از این تمهیدات قانونی کلیدی صورت خواهد گرفت تا ارزیابی شود که آیا تعلق به یک ملیت خاص می‌تواند نوع رفتار با اسرا را تحت تاثیر قرار دهد یا خیر.<sup>۱</sup>

#### ۱-۵. جایگاه جنگجویان خارجی تحت معاهده ژنو ۳

این معاهده تعریفی از فرد نظامی ارائه نمی‌دهد، بلکه شامل مجموعه‌ای از معیارهاست که بایستی با فردی که - پس از افتادن به دست دشمن - خواستار کسب جایگاه زندانی جنگی است؛ تطابق داشته باشد. چنین استنباط می‌شود که هر کسی که

۱. P۳۱۷ (۸), de e ۴, ۱۹۷۳, RETUER .P ۱, simeht ,cilbup lanoitanretnI tiorD

۱۱۴... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

حائز چنین جایگاهی باشد؛ قانوناً فرد نظامی تلقی خواهد شد. از این رو، ماده ۴ از این معاهده - در بخش‌های مربوطه خود- بیان می‌دارد که:

زندانیان جنگی، بنابر معنای مقرر در معاهده حاضر، به اشخاصی اطلاق می‌شود که به دست دشمن افتاده و به یکی از دسته‌بندی‌های زیر تعلق دارند:

۱. اعضای نیروهای مسلح یکی از طرفین درگیری و همچنین اعضای گروه‌های داوطلب یا شبه‌نظامیانی که بخشی از نیروی مسلح مذکور را تشکیل می‌دهند.  
۲. اعضای سایر گروه‌های شبه نظامی و سایر گروه‌های داوطلب شامل اعضای جنبش‌های مقاومت سازمان‌یافته متعلق به یکی از طرفین درگیری که در داخل یا خارج از قلمرو خود عملیات انجام می‌دهند، حتی در صورتی که قلمرو مذکور اشغال شده باشد؛ به شرطی که گروه شبه نظامی یا داوطلبانه مذکور شامل جنبش‌های سازمان‌یافته مقاومت، از شرایط زیر برخوردار باشند:

- ۱- تحت فرماندهی شخصی باشد که مسئول افراد تحت امر خود است؛
- ۲- دارای علامت متمایزی باشد که از مسافت دور قابل تشخیص باشد؛
- ۳- بصورت آشکار سلاح حمل کنند؛
- ۴- عملیات خود را طبق قوانین عرف جنگی اجرا کنند.

در هیچ‌جا این معاهده مشاهده نمی‌شود که از اعطای این جایگاه به ملیت‌های خارجی (و زندانی جنگی) سخنی گفته شده باشد. درست است که برخی از تمهیدات بنظر می‌رسد بیانگر آن است که افرادی که به دست دشمن افتاده‌اند و مدعی جایگاه زندانی جنگی را دارند بایستی ملیتی مغایر با ملیت اسیرگیرنده خود داشته باشند؛ با اینحال هیچ موردی به نظر نمی‌رسد که ملیت‌های خارجی را (که ملیت کشور دشمن را ندارند) از حق به رسمیت شناسی وی بعنوان زندانی جنگی منع کند.<sup>۱</sup>  
تمام شش شرط فهرست شده فوق بایستی از طرف گروه رعایت شود. سه شرط اول (سازمان‌یافتگی، تعلق به یکی از طرف‌های مختصمه، تحت فرماندهی مسئول بودن)

---

۱. ej-sias euQ ,eriatinamuH lanoitanretnI tiorD el :ILLERROT, ۱۹۷۳, P۸۰

بایستی بطور کامل از طرف گروه تامین گردد؛ درحالی‌که سه شرط آخر (داشتن علامت متمایز، حمل آشکار سلاح، رعایت قوانین جنگ) بایستی توسط گروه و هر یک از اعضای آن تامین گردد. بنابراین اساس، "در اصل، اگر این گروه بطور مکرر قوانین و عرف جنگی را نادیده بگیرد، تمام اعضای آن جایگاه نظامی و زندانی جنگ بودن خود را از دست خواهند داد" از طرف دیگر، فقدان رعایت قوانین مخاصمات جنگی توسط هر یک از اعضای گروه، سایر اعضا را از جایگاه نظامی بودن آنان محروم نخواهد کرد، با اینحال فرد خاطی مسلماً مستحق مجازات خواهد بود.

بنابراین چنین به نظر می‌رسد که اگر جنگجویان خارجی در نیروهای مسلح یکی از طرفین که مشمول قوانین مخاصمات بین‌المللی هستند؛ ادغام شوند؛ بایستی نظامی محسوب شوند و بنابراین از تمام حقوق مصونیت‌های معاهده ژنو در صورت اسارت برخوردار خواهند شد. ادغام در نیروهای مسلح می‌تواند قبل از بروز درگیری اتفاق بیفتد، یا طی مخاصمات روی دهد. برای مثال، اتباع خارجی با اعتقادات اسلامی که به اراضی بوسنی و هرزگوین بین سال‌های ۱۹۹۲ و ۱۹۹۵ وارد شدند تا از نیروهای دولت محلی در برابر تجزیه طلب‌های کروات و صرب پشتیبانی کنند، از طریق قانون داخلی دولت بوسنی در ارتش بوسنی ادغام شدند). دادگاه ( ICTY Appeals Chamber) دریافت که دسته‌ای که جنگجویان خارجی در آن گروه بندی شدند؛ به لحاظ حقوقی تحت امر ارتش بوسنی بود و چنین امری تا منحل شدن آن تا دسامبر ۱۹۹۵ ادامه داشت. چنین یافته‌ای در شرایطی حاصل شد که با توجه به وجود ماهیت غیرمرسوم این دسته نظامی، بنظر نمی‌رسید که با سیستم فرماندهی و کنترل ارتش سازگاری داشته و از آن پیروی کند.<sup>۱</sup>

در خصوص حائز شرایط بودن احتمالی جنگجویان خارجی بعنوان اعضای سایر گروه‌های شبه نظامی و سایر گروه‌های داوطلب، بایستی تعیین کرد که آیا چنین

---

۱. ej-sias euQ ,eriatinamuH lanoitanretnI tiorD el :ILLERROT, ۱۹۷۳, P۸۰

۱۱۶... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

گروه‌هایی از شش معیار مقرر شده در ماده ۴ تبعیت می‌کنند یا خیر. تعیین این موضوع مسلماً بستگی بسیاری به زمینه و بافت موضوع و آگاهی از واقعیات و اوضاع و احوال دارد که به راحتی قابل اعتبارسنجی نیست.

اولین پروتکل الحاقی، جایگاه ثانویه زندانی جنگی را صریحاً به وضعیت اولیه "فرد نظامی" وابسته کرد. تنها نظامیان از حق شرکت در مخاصمات برخوردارند و نمی‌توان آنان را صرفاً بخاطر شرکت در جنگ مجازات کرد. در مقابل، شخصی که از حق جایگاه نظامی برخوردار نیست؛ تحت حقوق جزای طرف اسیرکننده بدلیل نقض شروط آن قابل مجازات است؛ حتی اگر اعمال او در حکم تخطی از حقوق بشردوستانه بین‌الملل نباشد.

مقررات مربوطه پروتکل الحاقی از جهات مختلف از اسناد پیشین - که برخی بسیار مناقشه‌آمیز بودند؛ فاصله گرفته است. ماده ۴۳ چنین مقرر می‌کند:

نیروهای نظامی طرفین درگیری متشکل از تمام نیروهای نظامی سازمان‌یافته، گروه‌ها و واحدهایی است که تحت فرماندهی شخصی قرار دارند که مسئولیت اعمال افراد تحت امر خود را بعهده دارد؛ حتی اگر طرف مذکور توسط دولت یا مقامی که از طرف مخالف به رسمیت شناخته نشده است؛ نمایندگی شود. نیروهای مسلح مذکور بایستی مشمول یک سیستم انتظامی داخلی باشند که، "در کنار موارد دیگر"، تبعیت از مقررات حقوق بین‌الملل را که در درگیری‌های مسلحانه کاربرد دارند؛ در عمل پیاده سازد. این مقاله اصول موجود را مجدداً بیان می‌کند؛ جز اینکه تمایز میان نیروهای مسلح منظم در یک سو و گروه‌های داوطلب، شبه‌نظامیان و جنبش‌های مقاومت را در سوی دیگر (که در ماده ۴ معاهده ژنو ۳ اشاره شده است) از میان برمی‌دارد. بنابر تمهید جدید، معیارهای تعیین برخورداری از حق جایگاه نظامی و زندانی جنگی برای اعضای هر دو گروه یکسان است. این تمهید در مقایسه با قوانین قبلی از تازگی برخوردار است؛ اما



ظاهراً مناقشاتی به پا کرده و پیشتر در حقوق بشردوستانه بین‌الملل عرفی نیز ادغام شده بوده است.<sup>۱</sup>

با اینحال، چیزی که واکنش منفی بسیاری از دولت‌ها را برانگیخت، قاعده‌ای بود که در بخش دوم پاراگراف ۳ گنجانده شد. این تمهید قانونی بیان می‌دارد که، اگر برای یک نظامی متمایز کردن خود غیرممکن باشد، خواهد توانست جایگاه خود بعنوان یک نظامی را همچنان حفظ کند (و از این رو در صورت اسارت حائز جایگاه زندانی جنگی باشد) بشرطی که در موقعیت‌های محدودی که در تمهید قانونی مشخص شده، سلاح را بصورت آشکار حمل کند. تنها اگر فرد نظامی در رعایت این الزامات حداقلی قصور ورزد از زندانی جنگ بودن سلب حق خواهد شد.<sup>۲</sup>

در اینکه جنگجویان خارجی را تحت این چهارچوب قانونی جدید چگونه می‌توان طبقه‌بندی کرد، به نظر می‌رسد که آنان یا حقیقتاً جزو اعضای نیروهای مسلح یکی از طرفین درگیری هستند، یا متعلق به دسته‌ها یا گروه‌های سازمان‌یافته‌ای هستند که تحت فرماندهی شخصی که مسئولیت اعمال افراد تحت امر خود را بعهده دارد، قرار دارند. در هنگام توصیف ویژگی‌های چنین گروه‌هایی، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بر این ضرورت تأکید می‌کند که تمام اعضای آن بایستی تحت امر یک فرمانده و تحت امر یکی از طرفین منخاصمه باشند، و در آن هیچ استثنایی نیست، چون هیچ گروهی نمی‌تواند جنگ خصوصی راه اندازد، از این رو آنان بر الزام مربوط به برخورداری از پیوند میان گروه‌ها و نیروهای مسلح هر یک از طرفین تأکید کرده و از آن پشتیبانی می‌کنند.

---

۱. لاویه، ژان فیلیپ (۱۳۸۶). برخی پیشرفت‌ها و چالش‌های جدید در حوزه حقوق بشردوستانه بین‌المللی، مجموعه مقالات همایش اسلام و حقوق بین‌الملل بشردوستانه، هلال احمر و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ.

۲. فهیم دانش، علی (۱۳۸۳)، وضعیت حقوق بشر در ایالات متحده پس از یازدهم سپتامبر، مطالعات منطقه‌ای - پاییز و زمستان - شماره ۲۰ و ۲۱

۱۱۸... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

اما پوشیدن یونیفورم ضرورت ندارد و یا احترام به قوانین درگیری مسلحانه توسط مبارز منفرد، عنصر ضروری برای کسب جایگاه فرد نظامی محسوب نمی‌شود. با اینحال این گروه‌ها و واحدها بایستی یک سیستم انتظامی داخلی داشته باشد که بتواند قوانین انضباطی نظامی را تضمین کند و همچنین قانون کیفری نظامی را بطور عملی پیاده‌سازی نماید. در اینجا هم قصور هر یک از گروه‌ها در تبعیت از قواعد مذکور باعث سلب شدن جایگاه نظامی از اعضای گروه خواهد شد.<sup>۱</sup> (میر آفتابی ۱۳۹۲: ۸۲).

با توجه به اینکه انکار جایگاه زندانی جنگی بطور بالقوه پیامدهای جدی برای نظامیان به‌مراه خواهد داشت، بنابراین چنین تصمیم‌گیری‌هایی بایستی قویا با فرامین معاهده ژنو ۳ (ماده ۵) و اولین پروتکل الحاقی (ماده ۴۵) همخوانی داشته باشد که اتخاذ چنین تصمیماتی را بعهدہ دادگاه صالح قرار می‌دهد.<sup>۲</sup>

در قوانین مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی، جنگجویان خارجی ممکن است به گروه‌های مسلح شورشی یا نیروهای مسلح کشوری که در خاک آن کشور درگیری روی داده است؛ بپیوندند. ابتدا با وضعیت اول شروع می‌کنیم؛ به این نکته بایستی تاکید کرد که هیچ جایگاه ویژه‌ای به مبارزانی که در برابر دولت حاکم سلاح بدست گرفته‌اند، اعطا نمی‌شود. در غیاب جایگاه نظامی یا زندانی سیاسی در چنین درگیری‌هایی، افرادی که در برابر دولت شورش می‌کنند ممکن است دستگیر، مجازات و همانند مجرمان عادی و براساس قوانین دولت به اسارت گیرنده، محکوم شوند. این اصول در مورد شورشیانی که ملیت خارجی دارند نیز مصداق دارد، گرچه چنین فاکتورهایی می‌توانند در برخورد قضایی با افراد به اسارت گرفته شده نقش داده باشند.

در بحث مربوط به کاربردپذیری و ماده ۳ مشترک، تفسیر کمیته بین‌المللی صلیب سرخ اظهار می‌دارد که این ماده از شورشیانی که به دست طرف مخالف می‌افتند

---

۱. میرآفتابی، هاشم. (۱۳۹۲). مبارزه با تروریسم و حقوق مخاصمات بین‌المللی، آفاق امنیت، ۳ (۱). ص: ۸۲.

۲. سپهر، ذبیح. (۱۳۸۵). تاریخ جنبش کمونیستی، تهران: عطایی.

در برابر محاکمه بر طبق قانون مصونیت نخواهد داشت؛ حتی اگر هیچ جرمی جز حمل سلاح و مبارزه وفادارانه نداشته باشند. اما آیا معیارهای ملیت بر شیوه رفتار با زندانی تأثیری خواهد گذاشت؟ ماده ۳ مشترک چنین مقرر می‌دارد که:

«اشخاصی که هیچ نقش فعالی در مخاصمات ندارند، شامل اعضای نیروهای مسلح که سلاح‌های خود را بر زمین گذاشته و کسانی که بدلیل بیماری، زخمی شدن، حبس یا هر علت دیگر "از توان افتاده‌اند"، در تمام شرایط بایستی با آنان به شیوه انسانی برخورد کرد و هیچ تمایز خصمانه‌ای بر مبنای نژاد، رنگ، مذهب یا اعتقاد، جنسیت یا ثروت یا هر معیار مشابه نباید قائل شد.»

آنچه که مشخص است در متن این ماده، معیار ملیت در بین معیارهایی که بر مبنای آن‌ها تبعیض منع می‌شود دیده نمی‌شود، گرچه افزوده شدن کلماتی مانند "هرگونه معیار مشابهی" تلویحا بیانگر آن است که می‌توان این تفسیر را از تمهید قانونی بعمل آورد. در حقیقت، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ تأکید می‌کند که نبایستی از ملیت برای توجیه رفتار انسانی استفاده کرد؛ چرا که "بهره‌گیری از این واقعیت که معیار ملیت بعنوان دستاویزی برای رفتار با خارجیان، در جنگ داخلی، بشیوه‌ای ناسازگار با الزامات رفتار انسانی در نظر گرفته شده است"؛ با روح معاهدات ژنو در تعارض خواهد بود.<sup>۱</sup> با وجود این، زمانیکه موضوع مجازات افرادی که در مخاصمات شرکت داشته‌اند مطرح می‌شود، ملیت ممکن است عاملی باشد که اوضاع را تعدیل کرده یا بر وخامت آن بیفزاید از این‌رو، بازهم در اینجا قانون داخلی کشور متأثر از جنگ است که تعیین می‌کند که جنگجویان خارجی مستحق چه نوع رفتار قانونی هستند، البته بشرطی که نتیجه به رفتار غیرانسانی به صورتی که در ماده ۳ مشترک بیان شد، منجر نگردد.

مروری بر هنجارها و استانداردهای بین‌المللی نشان داده است که اصالت یا ملیت خارجی افرادی که به ناحیه مورد مخاصمه برای شرکت در درگیری سفر می‌کنند،

---

۱. فهیم دانش، علی (۱۳۸۳)، وضعیت حقوق بشر در ایالات متحده پس از یازدهم سپتامبر، مطالعات

۱۲۰... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

می‌تواند اثر واقعی بر جایگاه قانونی آنان قرار دهد و نباید از نظر غافل بماند. با نگاه به قوانین مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، جنگجویان خارجی می‌توانند از اعضای تمام عیار نیروهای مسلح یکی از دولت‌های متخاصم باشند یا به آن تبدیل شوند. در این حالت، ملیت آنان اهمیتی نخواهد داشت و تحت قوانین کنوانسیون ژنو ۳ بایستی جایگاه زندانی جنگی به آنان اعطا شود. در فرض مقابل، آنان ممکن است از اعضای سایر گروه شبه نظامی یا سایر گروه‌های داوطلب باشند که به یکی از طرفین مخاصمه تعلق دارند. در این حالت، آنان، تنها بشرطی واجد جایگاه زندانی جنگی خواهند شد که از شروط مقرر توسط ماده ۴ کنوانسیون ژنو ۳ پیروی کنند، که مشخصاً عبارتند از:

جنگیدن در داخل یک جنبش سازمان‌یافته که در واقع به یکی از طرفین مخاصمه که تحت فرماندهی شخصی که مسئول افراد تحت امر است، قرار دارد، داشتن علامت متمایز کننده‌ای است (حمل آشکار سلاح مطابق قوانین و عرف جنگی) که از دور قابل تشخیص است. قصور از سوی اکثریت اعضای گروه در پیروی از هر یک استانداردها، تمام آنان را از حق جایگاه اسیر جنگی محروم خواهد کرد. در خصوص قوانین مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی، جنگجویان خارجی می‌توانند به صفوف نیروهای مسلح دولت حاکم یا کنشگران غیردولتی که در برابر آن شورش می‌کنند؛ بپیوندند. بنظر می‌رسد که در هیچ یک از این موارد ملیت تاثیری بر جایگاه مبارزان ندارد؛

شواهد نشان می‌دهد که جنگجویان خارجی نسبت به رعایت استانداردهای قانونی بین‌المللی که در مورد نحوه پیش برد مخاصمات تنظیم شده است، تمایلی چندانی ندارند. بخشی از آن می‌تواند به دلیل چشم‌انداز اسارت و مجازات صرفاً به جهت پیوستن به مخاصمه باشد اما - خصوصاً در مورد درگیری‌های مسلحانه‌ای که در حال حاضر در سوریه، لیبی و عراق در جریان است - بنظر تاکتیک عامدانه‌ای می‌رسد که برای ایجاد رعب و وحشت در اذهان مخالفان و تحت تاثیر قرار دادن تصور دولت‌های غربی و عقاید عمومی در مورد این گروه انجام می‌گیرد. با آنکه چشم‌انداز محاکمه جنایی چندان نوید بخش نیست؛ اما باید پرسید که آیا برخورد با این کنشگران در

چهارچوب قانونی هرگز در سوق دادن آنان به رعایت قوانین بشردوستانه بین‌المللی موفق خواهد شد. سوسولی، بوییر و کویتین در هنگام توصیف حدود قاعده "حق در جنگ" چنین استدلال می‌کنند که "پیش فرض این قاعده آن است که طرفین مخاصمه مسلحانه اهداف منطقی دارند و چنین اهدافی با قوانین بشردوستانه بین‌المللی در تعارض نیست"

### نتیجه‌گیری

وجود جنگجویان خارجی چیز جدیدی در سطح بین‌المللی نیست اما این مورد تاکنون مورد توجه جدی در تئوری روابط بین‌المللی (IR) قرار نگرفته است. جنگجویان خارجی که یک واقعه نسبتاً نادر قبل از دهه ۱۹۸۰ بودند حالا براساس IR (تئوری روابط بین‌المللی) تا حدی مورد توجه قرار گرفته‌اند. اینگونه مسائل در بهار سال ۲۰۱۴ شروع به تغییر کرده‌اند زمانی که یک گروه جهادی مسلح که دربرگیرنده تعداد زیادی افراد خارجی می‌شد (دولت اسلامی) اعلام یک خلیفه‌گری اسلامی در بخش بزرگی از کشورهای سوریه (مستقیم یا غیر مستقیم) و عراق کرد و به صورتی گسترده مورد توجه رسانه‌ها در سطح جهانی قرار گرفت؛ زیرا از انواع تاکتیک‌های ترور و جنایت‌های جنگی استفاده می‌گردد.

با نگاه به قوانین مخاصمات مسلحانه بین‌المللی، جنگجویان خارجی می‌توانند از اعضای تمام عیار نیروهای مسلح یکی از دولت‌های متخاصم باشند یا به آن تبدیل شوند. در این حالت، ملیت آنان اهمیتی نخواهد داشت و تحت قوانین کنوانسیون ژنو ۳ بایستی جایگاه زندانی جنگی به آنان اعطا شود.

ماده‌ی ۴ کنوانسیون پنجم لاهه ۱۹۰۷ اشعار می‌دارد: «تشکیل گروه‌های مبارز و تأسیس مراکز استخدام نیروهای داوطلب در منطقه بی‌طرف برای کمک به نیروهای متخاصم ممنوع است.

۱۲۲... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

قطعنامه ۲۱۷۸ در ۲۴ سپتامبر ۲۰۱۴ را می‌توان مهمترین سند بین‌المللی در زمینه جنگجویان خارجی دانست طبق این سند دولت‌ها بایستی با یکدیگر در زمینه پیشگیری از جابجایی بین‌المللی جنگجویان تروریست در مناطق مخاصمه همکاری نمایند. دولت‌ها با رعایت حقوق بین‌الملل از جذب نیرو، سازماندهی، جابجائی، یا تجهیز افرادی که به قصد تمهید، برنامه‌ریزی یا مشارکت در اقدامات تروریستی به کشورهای دیگر سفر می‌کنند؛ جلوگیری نمایند. قطعنامه ۲۱۷۸- بر خلاف دو قطعنامه قبلی یعنی ۲۱۶۹ و ۲۱۷۰- بیشتر از آنکه قطعنامه‌ای ضد داعش باشد؛ ضد تروریسم و به کارگیری جنگجویان خارجی بصورت کلی است.

طبق معاهده ژنو ۳ زندانیان جنگی، بنابر معنای مقرر در معاهده حاضر، به اشخاصی اطلاق می‌شود که به دست دشمن افتاده و به یکی از دسته‌بندی‌های زیر تعلق دارند. اعضای نیروهای مسلح یکی از طرفین درگیری و همچنین اعضای گروه‌های داوطلب یا شبه‌نظامیانی که بخشی از نیروی مسلح مذکور را تشکیل می‌دهند. در هیچ جای معاهده ژنو ۳ مشاهده نمی‌شود که از اعطای این جایگاه به ملیت‌های خارجی (و زندانی جنگی) سخنی گفته شده باشد. درست است که برخی از تمهیدات بنظر می‌رسد بیانگر آن است که افرادی که به دست دشمن افتاده‌اند و مدعی جایگاه زندانی جنگی را دارند بایستی ملیتی مغایر با ملیت اسیرگیرنده خود داشته باشند؛ با اینحال هیچ موردی به نظر نمی‌رسد که ملیت‌های خارجی را (که ملیت کشور دشمن را ندارند) از حق به رسمیت شناسی وی بعنوان زندانی جنگی منع کند.

برای اینکه افراد جنگجو مطابق معاهده ژنو ۳ شرایط برخوردار از مزایای افراد شبه نظامی و جایگاه نظامی را داشته باشند باید شش ویژگی از طرف گروه رعایت شود. سه شرط اول (سازمان‌یافتگی، تعلق به یکی از طرف‌های مخاصمه، تحت فرماندهی مسئول بودن) بایستی بطور کامل از طرف گروه تامین گردد؛ درحالی‌که سه شرط آخر (داشتن علامت متمایز، حمل آشکار سلاح، رعایت قوانین جنگ) بایستی توسط گروه و هر یک از اعضای آن تامین گردد.

پدیده جنگجویان خارجی از منظر حقوق بین‌الملل..... ۱۲۳

اگرچه معاهدات بین‌المللی قواعدی را برای پذیرفتن جنگجویان خارجی به عنوان افراد نظامی تدوین کردند و دولت‌های میزبان باید این قواعد را در بکارگیری جنگجویان خارجی بکار گیرند اما جنگجویان خارجی با توجه به ویژگی‌های ذاتی خود کمتر تحت قواعد بین‌المللی قرار می‌گیرند و احتمال اینکه به روش‌های تروریستی متوسل شوند وجود دارد همین امر تدوین قوانین مناسب را برای حمایت یا برخورد با این گروه‌ها را دشوار نموده است.

۱۲۴... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

### منابع

- ابراهیمی، نبی اله (۱۳۸۸). نوسلفی‌گری و جهانیشدن امنیت خاورمیانه، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی. بریزارد، ژان شارل، داسکیه، گیوم (۱۳۸۱) بن لادن حقیقت ممنوع، عبدالحسین نیک گهر، تهران: نشر آگه
- اسدی، علی اکبر (۱۳۸۸)، «ظهور و افول القاعده در عراق»، فصلنامه راهبرد، س ۱۸، ش ۵۱.
- امینیان، بهادر (۱۳۸۵). نقش آمریکا در محیط استراتژیک جدید ایران، سیاست دفاعی، دانشگاه امام حسین (ع)، ش ۳۶.
- پولی، میشل (۱۳۸۰). خالد دوران، ترجمه مهشید میرمعزی، تهران: انتشارات روزنه.
- حبیبی محمد (۱۳۹۵) جنگجویان خارجی در خاورمیانه و تعهدات دولت مبدأ، فصلنامه آفاق امنیت، سال هشتم، شماره بیست و هشتم
- جمالی، جواد (۱۳۹۰) افراط‌گرایی در پاکستان؛ مبانی عملکرد و چشم انداز، تهران: موسسه اندیشه سازان نور
- دترز، دیموند (۱۳۸۹). دین و قومیت در بالکان، محمدرضا ظفری، اسلام و غرب، شماره پیاپی ۳۸-۳۹
- رائفی پور، علی اکبر (۱۳۹۳). مجموعه سخنرانی، تهران: مصاف.
- زارعان، احمد (۱۳۹۴). موانع تشکیل دولت ملی در سوریه، مطالعات راهبردی جهان اسلام، تابستان - شماره ۶۲
- زارعی، سعدالله (۱۳۹۳). دوستی و دشمنی آمریکا و داعش (الگوی رفتاری آمریکا با تروریسم)، مطالعات راهبردی جهان اسلام، بهار، شماره ۵۷
- سپهر، ذبیح (۱۳۸۵). تاریخ جنبش کمونیستی، تهران: عطایی.
- فهم دانش، علی (۱۳۸۳)، وضعیت حقوق بشر در ایالات متحده پس از یازدهم سپتامبر، مطالعات منطقه ای - پاییز و زمستان - شماره ۲۰ و ۲۱.



پدیده جنگجویان خارجی از منظر حقوق بین‌الملل.....۱۲۵

کسرای، محمد سالار و داویرمقدم، سعیده (۱۳۹۴)؛ «برآمدن داعش در خاورمیانه : تحلیل جامعه شناختانه»، فصلنامه روابط خارجی، س ۷، ش ۱.  
کریمی مله، علی و گرشاسبی، رضا (۱۳۹۴)؛ «بررسی چرایی پیوستن جنگجویان خارجی به داعش»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، س ۵، ش ۱.  
محمدی، هادی (۱۳۸۷). دنیا و قضیه تروریسم، مشهد: اترک.  
وایت، ام.جی. (۱۳۸۴). سیاست و حکومت و ایالات متحده، قربانعلی گنجی، تهران: قومس.  
ویلیامز، ری (۱۳۹۵)؛ «روان‌شناسی تروریسم»، از مجموعه مقالات پیرامون تروریسم، ترجمه رضا دانشمندی، مشهد: مرندیز،  
یوسفی، محسن (۱۳۹۴)، «نقش و تأثیر داعش در ترسیم نقشه‌ی جدید خاورمیانه»، مجموعه مقالات داعش، مؤسسه مطالعات ملی، تهران: تمدن ایرانی.

Atwan, Jaffar (۲۰۱۴). Impact of stemmer on arabic text retrieval. Asia Information Retrieval Symposium, ۳۱۴-۳۲۶

Anderson, Tim (۲۰۱۵), "The Insidious Relationship between Washington and ISIS: The Evidence", Global Research, September .۰۳

Bagy, Elizabeth O' (۲۰۱۲) "Jihad In Syria." Middle East Security Report ۶ (۲۰۱۲): ۱۷-۱۶ Understanding War. Web.<<http://www.understandingwar>.

Connor, Vivienne and Colette Rausch, with Hans-Joerg Albrecht and Goran

ej-sias euQ ,eriatinamuH lanoitanretnI tiorD el :ILLERROT., ۱۹۷۳  
Council of Europe convention on the prevention of terrorism (ETS, No. ۱۹۶), Warsaw, ۱۶.V..۲۰۰۵

Chengu Garikai, (۲۰۱۵) "America Created Al-Qaeda and the ISIS Terror Group", Global Research, November .۱۴

Dilanian, Ken (۲۰۱۴). 'Islamic State group's war chest is growing daily, AP: The Big Story, ۱۵ September . Encyclopaedia Britannica, ۱۹۵۵ed., Vol. ۱۵, p..۲۶۴

Marcel, V. )۲۰۱۴(, "ISIS and the Dangers of Black Market Oil," Chatham House, Retrieved from

۱۲۶... تحقیقات حقوقی تطبیقی ایران و بین‌الملل، سال یازدهم، شماره چهل و یکم، پاییز ۱۳۹۷

www.chathamhouse.org/expert/comment/۱۵۲۰۳, accessed ۱۰ February ۲۰۱۵

Massih, N, (۲۰۱۴), "ISIS gains highlight 'aggressive' use of water as weapon of war", The Daily Star (Lebanon), www.dailystar.com.lb/News/Middle-East/۲۰۱۴/Jul-۲۶۴۵۵۴/۲۱-isis-gains-highlightaggressive-use-of-water-as-weapon-of-war.ashx, accessed ۱۰ February ۲۰۱۵

McCants, William (۲۰۱۴). "Zawahiri's Counter-Caliphate," War on the Rocks, September, ۲۰۱۴ p:۹۳, <http://warontherocks.com//۰۹/۲۰۱۴>

Ramirez, Tan, (۲۰۱۱) "The New Terrorism: Diagnosis and Prescriptions", Singapore: Eastern University Press

Klemencic, Model for Post-Conflict Criminal Justice, vol.I, Washington, D.C., United States Institute of Peace, ۲۰۰۷

Lerman, D. (۲۰۱۴) "Islamic State's Oil Refining Undercut by Airstrikes: U.S.," (quoting Amos Hochstein, US State Department Special Envoy and Coordinator for International Energy Affairs) Bloomberg, www.bloomberg .

Lister, Charles (۲۰۱۴). Profiling the Islamic State, The Brookings Institution, Washington DC.

Lukens, Lewis A. (۲۰۱۲) United States Government, "Remarks by U.S. Ambassador Lewis A. Lukens Kidnapping for Ransom Denial of Benefits Workshop." October .۳۰

proposal for a council framework decision on combating terrorism (presented by the commission) Brussels , com (۲۰۰۱) final ,

Philips, M. (۲۰۱۴), "Islamic State Loses its Oil Business", Bloomberg Businessweek, <http://mobile.businessweek.com/articles/۱۴-۱۰-۲۰۱۴/u-dot-s-dot-air-strikes-cut-isis-oil-production-by-۷۰-percent>, accessed ۱۰ February ۲۰۱۵

protocol amending the European convention on the suppression of terrorism, Strasbourg, ۱۵.V.۲۰۰۳

simeht ,cilbup lanoitanretnI tiorD :RETUER .P , ۱۹۷۳, de e ε,

The text of article ۱ of the convention shall be supplemented by the following paragraph.